

غول‌های غارنشین



■ نویسنده: آلن مک‌دونالد
■ مترجم: حسام امامی
■ ناشر: هویا

آقای غارنشین از ترس اینکه بقیه غارنشین‌ها فکر نکنند او از یک بز ترسیده، مجبور شد دست همسر و بچه‌اش را بگیرد و خانه و زندگی را از غار کوهستانی‌شان ببرد به شهر ساکت و آرام بیدلسلین. برای همین وقتی یک خانواده غارنشین به منطقه‌ی بی‌سروصدایی مثل بیدلسلین اثاث‌کشی می‌کند، احتمالش هست که اوضاع بی‌ریخت (و شاید هم پشمالو و بوگندو) شود. مخصوصاً اگر همسایه‌بغلی خانواده پریدل باشند. خانواده پریدل چشم دیدن غارنشین‌ها را ندارند...

پالی فینک بزرگ



■ نویسنده: آلی بنجامین
■ مترجم: کیوان عبیدی‌آشتیانی
■ ناشر: افق

این پالی فینک افسانه‌ای کیست که بچه‌ها از او یک قهرمان ساخته‌اند؟ کیتلین در مدرسه‌ای کوچک ثبت‌نام می‌کند که کلاس هفتمش فقط ۱۰ دانش‌آموز دارد و تمام دانش‌آموزها از پسری به نام پالی فینک حرف می‌زنند. پالی که سال گذشته در این مدرسه درس می‌خوانده و باعث تمام اتفاق‌های عجیب و غریب، بامزه و درعین‌حال دردسرساز بوده، ناگهان غیبش زده. حالا کیتلین مسئول برگزاری رقابتی می‌شود تا پالی فینک بزرگ بعدی را انتخاب کنند.

اردوگاه بطری‌های گمشده



■ نویسنده: لیساکرگ
■ مترجم: فریده خرمی
■ ناشر: پیدایش

تایستان است و همه راهی اردوگاه شده‌اند. اردوگاه آتروپس برای بچه‌هایی با استعدادهایی خاص، محلی ایده‌آل است؛ آواز خواندن در کنار آتش، تمرین برای نمایش استعداد و شنای طولانی در دریاچه. اما چیزی که بچه‌ها از آن بی‌خبرند، این است که آنها را به دلیل آنجا جمع کرده‌اند. دلیلی که مدیر اردوگاه می‌خواهد به هر قیمتی پنهان بماند...



بار قلب کودکان خواننده را به تپش وامی‌دارد. تجربه زندگی روستایی برگرفته از دوران کودکی لیندگرن با گم شدن قهرمانان کوچکش در برف و بوران سرزمین سوئد، افتادن در چالاب رودخانه‌های یخ‌زده، پناه بردن به خانه همسایگان دورادور، و شنیدن خاطرات دور پدر بزرگ‌ها رویکردی است که در دوران «دلخوشی‌های دهکده من» و «ماجراهای دهکده من» در بازخوانی ماجراهایی نفسگیر و خواندنی به تصویر کشیده می‌شود. سه خانه چسبیده به هم با ۶ قهرمان دختر و پسر ساکن آن بازآفرینی خاطرات دوران کودکی لیندگرن است. سه خانه‌ای که همچنان با همان ساختار گذشته تاکنون حفظ شده و موزه‌ای خانگی برای شناخت گذشته‌های کودکان سوئد و احساس نزدیکی با آثار ادبی لیندگرن به شمار می‌رود. در مجموعه «لوتا آتشپاره» با دو رمان کودکان «لوتا خرابکاری می‌کند» و «لوتا لجبازی می‌کند» این بار با درون‌مایه استقلال‌طلبی کودکان روبه‌رو می‌شویم. دختر خردسالی که از زندگی در خانه خود خسته شده و ترجیح می‌دهد در خانه همسایه و در اتاقی که خود دوست دارد، زندگی کند. او برای رسیدن به خواسته‌هایش پایش را در یک کفش کرده و دست از لجبازی برمی‌دارد. پدر و مادر لوتا ترجیح می‌دهند به جای رویارویی با لجبازی‌های او خواسته‌هایش را برآورده کنند. رویدادی که باعث می‌شود لوتا قدر آغوش گرم خانواده را بداند و با حس قدردانی به جایی که به آن تعلق دارد، بازگردد. سه کتاب «من هم می‌خواهم به مدرسه بروم»، «پی‌پی جوراب‌بلند در پارک» و «پی‌پی جوراب‌بلند در کلبه» داستان‌های کودکان دیگری از لیندگرن هستند که هر خواننده‌ای را سر ذوق و شوق می‌آورد. تازگی نگاه لیندگرن به جهان شگفت‌انگیز کودکی و توانایی‌های انکارناپذیر کودکان و نیازهای ناشناخته‌شان ویژگی یگانه‌ای است که برای نخستین بار با جسارت تمام و در نماهای چندگانه‌اش توسط او به نمایش گذاشته شد. این ویژگی تنها برگرفته از ارزش‌گذاری به جهان کودکان، بلکه در ارزش‌های ادبی‌اش در فرآیند شخصیت‌پردازی، ماجراسازی، الگوآفرینی و اثرگذاری ماندگار در آثار دیگر نویسندگان ادبیات کودک و نوجوان جهان است. رویکرد برانزنده‌ای که به‌ویژه در ساختارهای بومی‌اش ستودنی است.



«پی‌پی جوراب‌بلند» پیراوزه‌ترین داستان لیندگرن به شمار می‌رود. شیطنت‌ها و جسارت‌های دختر موقرزمز باریک‌اندام و جسوری که مادرش از دنیا رفته و پدرش سلطان جزیره آدمخواران است. او جوراب ساق‌بلند لنگه‌به‌لنگه‌ای به پا دارد، با نیروی باورنکردنی‌اش می‌تواند اسبش را کول کند، دزدان و خلافکاران را به سزای اعمالشان برساند و همراه میمونش آقای نیلسون و دوستانش تامی و آنیکا لحظه‌های سرخوشی را سپری کند، به گونه‌ای که انگار هرگز قرار نیست پا به جهان بزرگسالی بگذارد

است. ماجراهایی که سرانجام با سفر امیل در میان باد و بوران سخت برای نجات آلفرد، خدمتکار مزرعه، پایانی خوش و قدرشناسانه برای اهالی روستا فراهم می‌سازد. این مادر امیل است که با نوشتن خاطراتش از کارهای فراموش‌نشده‌ی امیل بهانه پرداختن به این داستان‌ها را فراهم می‌کند.

لیندگرن با خلق شخصیتی پسرانه و هم‌تراز با شخصیت پی‌پی و گرایش به درون‌مایه‌های طنز و پرداختن به شیطنت‌های کودکانه بار دیگر به خلق مجموعه‌ای می‌پردازد که دستمایه فیلم سینمایی و مجموعه کتاب‌هایی با تجدیدچاپ‌های فراوان در سراسر جهان می‌انجامد. او با اثرپذیری از زادگاه دوران کودکی‌اش در ناحیه اسمالند سوئد به خلق شخصیتی مهارناپذیر و ناآرام و در عین حال خوش‌قلب و فداکار به نام امیل روی آورده که کودکان خواننده دوستش دارند و دلشان می‌خواهد مانند او اسبی برای تازاندن و روستایی برای تازیدن داشته باشند. نگاه تحسین‌برانگیز لیندگرن به ارزش‌گذاری شیطنت‌های کودکانه و نیاز کودکان به خودباوری و خطرپذیری تا مدت‌ها آماج نقد کارشناسان پداگوژی و رفتار با کودک بود. فرآیندی که امروزه به فراوانی مورد پذیرش قرار گرفته و جایگاه ویژه‌ای در رفتارشناسی کودکان یافته است. دست یافتن به بصیرت درون‌مایه اصلی رمان «مگ آتشپاره» است. زمانی که بار دیگر با خلق شخصیتی دخترانه و سازگار با شخصیت پی‌پی قرار می‌گیرد. مگ دختر بازیگوش و پرشور و شوری است که نمی‌تواند مانند هم‌سالانش به روزمرگی مدرسه‌ای تن در دهد. اغلب با موهای قیچی‌شده، لنگه کفش گم‌شده و دفتر مشق ورق‌ورق‌شده به خانه می‌آید و هر بار گناه آن را به گردن دانش‌آموزی می‌اندازد که اصلاً وجود خارجی ندارد. او در رویارویی با آلفرد، پسری نانوا که در همسایگی‌اش زندگی می‌کند، درمی‌یابد که برای دیدن اشباح دوروبر خانه باید بصیرت کافی داشته باشد. او برای دستیابی به بصیرت ناگزیر است به سفارش آلفرد شبانه به زیرزمین خانه برود و شیخ پدر بزرگ آلفرد را از نزدیک ببیند، بی‌خبر از آنکه شبحی که دیده کسی جز آلفرد با ملافه‌های سفید بر سر و چراغ قوه‌ای در دست نیست. تجربه خطر کردن و رویارویی با ترس پدیده‌ای است که وسوسه آن دست از سر مگ برنداشته. رویکردی که بارها در داستان‌ها و رمان‌های لیندگرن هر بار به گونه‌ای تکرار شده و هر